



آهنگ بدیع

مخصوص جوانان بهائی است

اجاء طعیاً بنایدین هیچ حزنی داخل نموند در امور سیاسی ملاحظه
حضرت عبدالباقی

شماره چهارم سال شانزدهم

شهرالرحمه شهرالکلمات ۱۱۸ - تیرماه ۱۳۴۰

شماره پنجم ۱۷۳

فهرست مندرجات

صفحه	
-	۱- لوح مبارك حضرت ولی محبوب امرالله
۹۳	۲- سخن دلپذیر
۹۷	۳- بغداد
۱۰۰	۴- ایادی امرالله - حضرت اسم الله الاصدق
۱۰۱	۵- غذای روح (قسمت دوم)
۱۰۴	۶- کتاب ابرار
۱۰۵	۷- شعر (از استاد سلطانی)
۱۰۵	۸- درد مند هجر (شعر)
۱۰۶	۹- انام (قسمت دوم)
۱۰۸	۱۰- نکاتی چند قابل توجه نویسندگان محترم
۱۰۹	۱۱- پرورمور مارکوس باخ
۱۱۱	۱۲- چهارمین سالنامه جوانان بهائی ایران
۱۱۲	۱۳- جواب بـسـئـوالـات
۱۱۳	۱۴- جدول آهنگ بدیع - شماره ۴
۱۱۴	۱۵- حمل جدول

عکس روی جلد - هیئت مجله شورای منتخب بین المللی بهائی

از چپ بر راست - ۱- خانم سیلویا ایواس Sylvia Ioas ۲- جناب چارلز ولکات

Charles Wolcott ۳- میس جسی رول Jessie Revell ۴- میس اتل رول

Ethel Revell ۵- جناب ایان سمل Ian Semple ۶- جناب بورا

کاولین Borah Kavelin ۷- جناب لطف الله حکیم ۸- جناب علی نخجوانی

۹- سرکار خانم میلدرد متحده

سرفه محبوب منظم آقای میزرا ضیاء معانی علیه بهانه ^{و نه}

روحی حضرتک العزاد عرصیه مرقومہ باحت مدس محض فضل و عطا حضرت ولی امر ارواح الحایاتہ العزاد واصل
و بخاطر اطراف مشرورات مسطورہ واضح و معلوم گردید سیر و حرکت آن فدائی آستان مقدس الهی قبل از صفت
ترکتان مثل قتمه تاج مرو بخارا و سمرقند معتبول و مرغوب سپس با محض نشرفات عشق آبا و عزیمت بمبرستند
برای اقامت چند ماهی محض تبلیغ امر الله و اعلاء کلمه الله موقوع تجید و تحسین واقع بدی است نفوس منقطع الی الله که ره سپار
سبیل نکل و توفیق و انظارشان متوجه بشر تعدیس و تزیین است این چنین نفوس انکارشان حافی نوازشان سبحانی
جز خلق کلمه الله آرزوی ندارند و جز وفار باستان مقدس ثنائی بخونید لذا چون قدم بعرض خدمت گذارند و در میدان
حضرت قدر بر سر از در ابواب ناید را از جمیع جهات مفتوح یابند و ملکوت روح و ریحان با محسوس جویند الحمد لله
آن مشون طلعت بجمال ما عظیم آرزوی مخلصین که تبلیغ و هدایت نفوس زکیه مستعد است فائز و نائل شدید این پنج
موبیت نصیب هر هاستی نه و این عالمه عنایت ممت بر قاضی نیست تحقیق بر حمته من یشاء و الله ذو فضل عظیم
نفوس مذکوره در نامه حضرت سیما لقب به تمیید و حضرت دود و محمودی و حضرت میر احرار و حضرت تاجید و
حضرت ملا ابراهیم و حضرت ملا ذکریا و حضرت ملا یوسف و حضرت ملا یونس علیهم بهاء الابهی کل را از
قبل مبارک تحت ابرع ابهی ابلاغ و اید و بصرت و مایدات رحمانیه مستبشر فرماید فرمودند از درگاه ملک ذوالجلال
مطلبکم که بر یک چون سراج ساطع در مشکوه جهان بر سر روز و نجات عظیمه نمودید و موقش شوند همواره در یاد و خاطر
و بیچوقت فراموش نشوند در خصوص تبلیغ و مبلغین فرمودند اعزام مبلغین تهیست و سائل سفر آنان را صحیح محافل روحانیه
باید نفوس محافل را تقویت نمایند محافل توانند تدارکات لازم را اجرا دارند و مبلغین با اطراف و اخفاف اعزام دهند زیاد

مطلبی حسب الامر مبارک مرقوم گردید - نزلتین
مطهر گردید بنده شناسش شوقی جاری ثنائی ۱۳۳۶
۱۷ نو فبر ۱۹۲۷

سخن پذیر

از کتاب "اخلاق بهائی"

حمد علی - فیضی

گردد باطنی رتبه سعادت واقعی رسیده اند و اول نشانه آن دارا شدن صفت تواضع و فروتنی است که خداوند رحمن در کلمات مکتوبه چنین میفرماید .
(یا بن الانسان کن لی خاضعا لا کون لک متواضعا و کن لامری ناصرا لیکن فی الملک منصورا)
و همچنین در ورق سم از فردوس اعلی میفرمایند :
" ان الانسان مرة یرفعه الخضرع الی سماء العزة والاقتدار و اخری الی اسفل مقام الذلّة والانکسار "

صفت بستندیده تواضع و فروتنی زیننده هر انسانی است که بزیور علم و اخلاق آراسته و از دانایم و بدیها پیراسته مانند چنین شخص دائما در پی کمال پویا و مطلوب خود را در هر موجودی جویند دانشمندان او را بشجره باروری تشبیه نموده اند که هر چه باران بیشتر شاخه هایش بر زمین متمایل تر این خصیلت و فضیلت در هر سن و سالی مورد قبول ارباب عقول بوده و کسانی را که دارای آن بوده اند تمجید و تحسین کرده و دینگران را بتا" می و پیروی ترفیب نموده اند ولی در هنگام جوانی جلوه اش بیشتر و نور درخشانش تابان تر است چنانچه شاعری فرموده است :

باغبانی بنفشه می بوئید

گفتش ای گوز پشت جامه کبود

در جوانی تو را چه پیش آمد

بیرنا گشته گوز گشتی زود

گفت پیران شکسته دهرند

در جوانی شکسته باید بود

روزی در مصاحبت دوستان باستان و جمع یاران باستان که هر یک در زمان خود شمع انجمن جوانان و روشنی بخش دل و جان بودند و اینک چشم و چراغ روحانیانند و بیه نیروی ایمان و ثبوت بر ایمان ممتاز از اهل زمان از روزگار جوانی و گذشت آن بتا" سفیادی شد و خواه ناخواه از جمال جوانی و کمال پیری سخنی بیجان آمد آنگاه این دو یار دلنشین همنشین میگشتند و دست از دوری و مهوری می شستند تا جمال دل آرا با کمال روح افزا قرین یکدیگر شده بوستان عمر که برگزین است بسبزه نیز آراسته میگردد .

جوانی که بزیور علم و ادب آراسته بود چون از مایقال آگاه شد بی قیل و قال گفت پیران را - آرزوی جمال امری است محال بهتر آنکه از این ره در گذرند و رنج بی حاصل نبرند و از گلیم خود پای بیرون نهند کمالی ابراز دارند که جوانان در جستجوی آنند و در پی آن روان باشد که آرزوی - دیرنشان بر آورده شده کمال باحشمت و تمکین با جمال دلنشین همنشین گشته و تبارک الله احسن الخالقین تحقق پذیرد در آن میان پیری روشن ضمیر بشنیدن این بیان از آن جوان با ایمان آب زلال عشق و محبت دیده گانش بگردید و چون میدان ارادت فسیح و نظرها را وسیع دید - بسختی دلپذیر بیان - مطلب نموده چنین گفت :

باد و ستان مضایقه در عمر و مال نیست

صد جان فدای یار نصیحت نهوش کن

اگر جوانان عزیز ما در جوانی به کمال انسانی نائل

آهنگ بدیسیح

رحمانی احترام از خود پسندی و انانیت است در -
مبدأ جمیع فسادها و اختلافات بین افراد است
و آن این است که انسان همه چیز خود را به پسندد
و به تعریف و خود ستائی بپردازد و از دیگران بینی
و زشتی یاد کند آنها را هدف تیرهای ملامت و سرزنش
قرار دهد و در معرض همه گونه عیب و نقص بداند

شخصیهائی ولو آنکه جمیع اعمال و رفتارشان عبادت
حق و خدمت بخلق باشد نباید آنها را برخ دیگران
کشانیده آنها را محروم و خود را محرم و اعمال -
خویش را مصاب و سایرین را مورد عتاب بدانند چه
که حسن عقیبت مجهول است در این مقام حضرت
بها" الله در لوحی خطاب به عندلیب چنین میفرماید
" یلعندلیب نامه ات رسید و نزد مظلوم ذکر
شد و در ایام حزن سبب بهجت و سرور گشت و این -
اینکمه ات بسیار مقبول افتاد الهی بیزار از آن
طاعتی که مرا بعجب آورد و مایل آن معصیت که
مرا عذر آورد اگر چه جمیع آنچه عرض نمودی سبب
فرح و تبسم شد و لکن اینکمه را مقام دیگر نمیست
نمودیم آن ربك لهوالمقدر المختار"

اینک از بیانات مبارک حضرت عبدالبها" که در
مقام اعلی روز نهم شوال سال ۱۳۳۲ فرموده اند
بگوش جان بشنوید:

" خوب مجلسی است بسیار محفل روحانی
است مرتب و منظم است در این عالم جمعیهای
بسیار تشکیل میشود ولی ترتیب و تنظیم ندارد در
میان اعضا" اختلاف اراده موجود الحمد لله قلوب
جمیع اعضا" این انجمن به همدیگر متحد است
و کل را نیت و مقصود یکی است هیچ آثار افکار
مختلفه در میان آنها نیست امیدوارم که روز بروز
این انجمن ترقیات فوق العاده حاصل کند و صعود
در جمیع مراتب وجود نمایند چه در توجه الی الله
و چه در فضائل معنویه و چه در علم و فنون
اکتسابیه در جمیع درجات ترقی نمایند و ابداء
افکار مختلفه و آرا" متنوعه در میان نیایند

بعضی ایام جوانی را موسم بهار عمر دانسته
و زمان گامرانی و شادمانی گفته اند و زمان پیری را
بخزان تشبیه کرده اند که آن باقادی افراشته
جوش و خروش پیدا کرد و هنگامه ها و طغیانها پیدا
میدارد و این از تند باد حوادث برگ و بارش را فرو
ریخته و در زیر بار گران زندگانی خمیده گوئسی
در پی جستجوی گوهر گم شده جوانی است.

جوانی گشت با پیری دل آگاه
چه گم کردی که خم گشتی در این راه
جوابش گشت پیر خوش تکلم

که ایام جوانی کرده ام گم
میدان وسیع زندگانی جولانگاه است تند رو جوانی
است که هرگاه در این یک تازی غرور و نخوت یعنی
دو دشمن انسانیت آنها براند و زمان از کف را کب
بستاند بزودی بزاند آمده و نقد عمر گرانمایه را بر
سراین بازی بیازد و هنوز بهار عمر بشکوفد نرسیده
سیف عصیان شجره امیدش را ببرد و هر چه
ساخته و برداخته آمال و آرزو است فرو ریزد و اگر
چراغ عقل و دانش پیری را در چراغدان جوانی
روشن نماید و نور افشان سازد راه را از چاه بشناسد
و اسب سرکش جوانی را با نیروی ایمان رام کند
و بهرجانب که راهنمایی نماید براند و خلاصه آنکه
در جوانی پیر باشد امانه پیرماه و سال چه کسه
خودمندان گفته اند توانگری بهتر است نه بمسال
و بزرگی بعقل است نه بمسال -
نه هر که بقامت مهتر بقیمت بهتر.

پیران سخن به تجربه گویند گفتم

هان ای پسر که پیرشوی پند گوش کن
چون سخن بدین مقام رسید و حاضرین مجلس هر یک
دست ادب بر سینه نهاده و زبان حالشان هر دم
بجمله " زنی بیانا گویا بود بگفتار خود ادا مسه
داده چنین گفت که : از نتایج مهمه خضوع و
خشوع و آراسته شدن باین صفت روحانی و اخلاق

زیرا جمیع مشکلاتی که حاصل میشود از افکار مختلف است از انانیت و خود پسندی است و این انانیت و خود پسندی سبب جمیع اختلافات است هیچ آفتی در عالم وجود مثل خود پسندی نیست و آن این است که - انسان دیگری را پسندد خود را به پسندد در خود پسندی عجب میآورد تکبر میآورد غفلت میآورد هر بلائی که در عالم وجود حاصل میشود چون درست توحی کنید از خود پسندی است ما نباید خود را به پسندیم بلکه سایرین را بهتر بدانیم حتی نفوسیکه مو من نیستند زیرا حسن خاتمه مجهولست چه بسیار نفوسیکه حال ایمان دارند ولی در آخر حیات غافل از حق گردند ما با باید هر نفسی را بر خود ترجیح دهیم واعظم واشرف واکمل به بینیم ولسی بمجرد اینکه خود را از دیگران متاخر به بینیم از طریق نجاح و فلاح دور شده ایم این از نفس اماره است که هر چیزی را بنظر انسان بد می نماید بغیر از نفس خود انسان و باین واسطه او را در چاه عمیق ظلمه که ندارد میاندازد هر ساعتی یک ظلمی را بنظر انسان عدل می نماید یک ذلت محض را شرف کبری ابراز میکند یک مصیبت عظمائی را آسایشی منتها جلوه میدهد و چون خوب تحقیق میکنیم بی بینیم این آن بزرگ ظلمه خود پسندی است زیرا انسان - اطوار و رفتار و اقوال دیگران را نمی پسندد بل احوال و آداب و شئون خود را می پسندد خدا نکند که در خاطر ما یکی از خود پسندی بیاید خدا نکند خدا نکند خدا نکند ما باید وقتیکه به خودمان نگاه میکنیم به بینیم که از خودمان ذلیل تر خاضع تر بست تر کسی نیست و چون بد دیگران نظر اندازیم به بینیم که از آنها عزیز تر کامل تر داناتر کسی نیست زیرا بنظر حق باید به جمیع نگاه کنیم باید آنها را بزرگوار به بینیم و خود را خوار و هر قصوری که در نفسی بی بینیم آنها را قصور خود دانیم زیرا اگر ما قاصر نبودیم آن قصور را نمی دیدیم انسان باید

همیشه خود را قاصد و دیگران را کامل به بیند من باب تنبیه میگویم گویند حضرت مسیح روحی لسه الفدا روزی با حواریون بر حیوان مرده ای گذشتند یکی گفت این حیوان چه قدر متعفن است دیگری - گفت چگونه صورت قبیح یافته دیگری گفت چه قدر مکروه است حضرت مسیح فرمودند ملاحظه - بدندانهای او نمائید چه قدر سفید است ملاحظه کنید که هیچ عیوب آن حیوان را ندید بلکه تفتیش فرمود تا ملاحظه کرد که دندانش سفید است همان سفیدی دندان را دید دیگر از بوسیدگی و تعفن و قبح منظر او چشم پوشید .

این را بدانید در قلبی که ذره ای نورانیت جمالبارک هست کلمه (من) از لسانش جاری نمیشود یعنی کلمه من که دلالت بر خود پسندی کند که من چنین و چنان کردم من خوب کردم فلانی بد کرد این کلمه انانیت دالمتی است که نور ایمان میبرد و این کلمه خود پسندی بکنی انسان را از خدا غافل میکند .

حال دقت نمائید که حضرت عبدالبها بیکی از - اهالی امریکا چه فرموده اند :

در سفرنامه امریکا مذکور است که یکی از اهالی امریکا که از تشریف حضور بوجود و شور آمده بود عرض کرد چکم که این تعالیم مبارکه را بتوانم عمل نمایم عیوب را نبینم و حالت تحمل داشته باشم فرمودند همیشه ملتفت حال خود باش به بین چه نقصی داری کوشش نمائ تا آنها را اصلاح کنی چشم انسان هم کور است و هم ذره بین کور است از دیدن نقائص خود بیخبر و ذره بین است از - خطاهای دیگران .

و ملای روی علیه الرحمه میفرماید :

هر که خود بینی کند در راه دوست

منغز را بگذاشت کی دید بسوست

xx

آهنگ بدیع

بشیش میامد شیخ گفت لاجول ولاقوة الا بالله العلی
العظیم جوان مست بریط را بطوری بر سر شیخ
گفت که بریط و سر شیخ بشکست روز بعد شیخ
فرمود طبقی از حلوا و مبلقی پول برای آن جوان
برده بگویند که شیخ عذر خواهست که بریط را بر
سرماشکستی اینک این سیم را بگیر و بریطی دیگر
بخور و این حلوا را بخور و از تلخی غضب و ضرر آن هر
دو بدرای جوان از این ملاطفت و راه فت متبسه
گردیده و در پای شیخ افتاده گریست و از عمل
خود توبه کرد .

شیخ اجل سعدی اینحکایت را چنین بنظم آورده
است :

یکی بریطی در بغل داشت مست

بشب بر سر پار سائسی شکست

چو روز آمد آن نیک مرد سلیسیم

بر سنگ دل برد یک مشت سیم

که دوشینه معذور بودی و مست

ترا و مرا بریط و سر شکست

مرا به شد آن زخم و برخاست بسیم

ترا به نخواهد شد الا بسیم

از آن دوستان خدا بر سر نهند

که از خلق بسیار بر سر خورند

چنینند مردان راه خدا

که خلق خدا بشد از ایشان رضا

در پایان بیان همه گفت بر کف زده از سخنان پیر

روشن ضمیر بوجد و شور آمده یک دل و یک زبان بر

او آفرین گفتند و تعهد نمودند که آنچه بگوش جان

شنیدند بکار بندند و بیکدیگر میگفتند .

سخن دلپذیر را دل سخن پذیر لاف است .

دشمن من در جهان خود بین مباد
زآنکه از خود بین نیاید جز فساد
در شرح حال عارف بالله بایزید بسطای که در
اوائل قرن سوم هجری در زمان خلافت المعتمد
بالله میزیسته چنین آورده اند که روزی بهنگام
صبح از محلم بیرون آمده باجمعی از مردان
بخانقاه میرفت در آنحال طشتی از خاکستر بیخبر
از سرائی بر سر روی او ریختند او را هیچگونه تغییر
حال دست نداده و همچنان بر سر روی خود دست
مالیده و شکر خدای بجا آورده میگفت چرا از
خاکستری در هم کشم که سزاوار بیش از این
باشم .

اینحکایت را شیخ اجل سعدی در بوستان چنین
آورده است :

شنیدم که وقتی سحرگاه عید

ز گرمابه آمد برون با یزید

یکی طشت خاکسترش بیخبر

فروریختند از سرائی بر روی

هی گفت زولیده دستار موسی

گفت دست شکرانه پالان بروی

که ای نفس من در خور آتشم

ز خاکستری روی در هم کشم

بزرگان نکردند در خود نگاه

خدا بیستی از خویشان بین خواه

بزرگی بناموس گفتار نیست

بلندی با عسوی و پندار نیست

تواضع سر رفعت افزاز دست

تکبر بخاک اندر انداز دست

بگردن فتد سرکش تشد خوی

بلند یست باید بلندی مجوی

و همچنین درباره او حکایت دیگری باین شرح

روایت کرده اند که شبی شیخ بگورستانی میگشت

جوان مطری در حال مستی بریط مینواخت و روی

لجنه جوانان بهائى مياندا آب - ۱۱۷ بدیع



جمعی از جوانان عزیز بهائى خاش - سنه ۱۱۸ بدیع

1952

1952

1952

1952

1952

1952

1952

1952

1952

1952

بغداد

حسام نقبائی

مقدونی شهر سلوکیه یا سلوقیازادر نزدیکی بغداد
حالیه برکناردجله ساخته و آنرا پایتخت خود قرار
دادند. پس از آنکه اشکانیان سلوکیهارا از ایران
رانندند در برابر آن شهردرساحل دیگر دجله -
طیسفون را بناموده آنجا را پایتختی انتخاب -
کردند و پس از روی کار آمدن ساسانیان آنشهر
رو بآبادانی نهاد و بنام مدائن (جمع مدینه)
معروف شد و دارای ۷ قسمت بود که هر یک بنامی
موسوم بود و طاق کسری و ایوان مدائن جایگاه مقر
سلاطین آن سلسله در این شهر توسط خسرو اول
انوشیروان و خسرو پرویز ساخته بود. این عمارت
زیبا که نمونه بی از شاهکارهای معماری آنزمان
بود و دستخوش غارت اعراب در زمان عمر گردید
و فرش نفیس و ذیقیمت بهارستان که در آن گسترده
بود تکه تکه شده بین قشون اسلام تقسیم گردید
سهی که بحضرت علی رسیده بود باندازه یک
کف دست بود که به ۲۴ هزار درهم فروخت.

(خلاصه از تجلیات روح ایرانی)

در نتیجه تاخت و تاز اعراب مدائن عظمت
قدیم خود را از دست داد تا آنکه خلیفه دوم عباسی
منصور دوانقی که توسط ایرانیان بخلافت رسیده -
بود تصمیم گرفت که پایتخت خود را در نقطه بی که
نزدیک بایران باشد قرار دهد برای اینکار دستور
داد که شهر بغداد را در برابر مدائن آنطرف دجله
بسازند و مصالح آنرا از طاق کسری و مدائن تا مین
نمایند در این مورد با خلدین برمک مشورت کرد ولی او
نه پسندید و مخالفت کرد ولی منصور فرمان داد که
بازای آوردن آجری از آنطرف دجله باینطرف یک

بنابر مندرجات بعضی از کتب بغداد یا بغداد
یعنی خداداد (کتاب ایران باستان از مشیرالدوله)
و بنظر بعضی از باغ و داد آمده است ولی کلمه
بخ که قبل از زردشت نام خدای آنزمان بود
چنین استنباط میشود که بغداد نیز از همین کلمه
مشق شده است چنانکه در اوستا Baghe
و در فارسی باستان Baga و در سانسکریت
Bhaga آمده و نام بعضی از شهرها و
دهات ایران قدیم نیز با این کلمه خوانده میشده
است کوه بیستون که آنرا بیستون نامند خوارزمی
در کتاب خود آنرا بیخستان خوانده که اسکندر از آن
گذشت نامهای شهرهای ارمنستان نیز بخ بوده و
در روسی نیز Bagu گویند بمعنی خدا و کلمه
باکو نیز از همین کلمه آمده و باشتباه آنجا را با کوبه
که از باد و کوبیدن آمده بنداشته اند. چند تن
از یاران داریوش که در برانداختن گوتامای دروسی
با او کمک کردند بغستان نامیده میشدند نام بعضی
از ساتراپهای ایران (حکمرانان ایالات) نیز با بخ
آمده است یکی از نسکهای اوستا یعنی نسک ۱۴ -
بنام بغان نسک معروفست و در دیگر بغان یشت
یعنی بزرگترین خدا آمده است.

بک در ترکی همان بخ است و مونت آن بیگم و جمع
آن بغان بمعنی آمو و فرمانده بزرگست. لقب
خاقان چین که ایرانیان فغفور میگفتند در اصل بغفور
یعنی پور خدا بوده است داریوش در سنگنبشته خود
گوید. بخ بزرگست اهورامزدا (خلاصه از مقاله -
پورد از شماره اول مجله پندارها آبان ۳۸)
زیاده از بیست قرن قبل جانشینان اسکندر

آهنگ بدیع

حمله شیعیان بغداد را غارت کرده بود و زیر خلیفه بنام محمد علقی که شیعی بود نامه فی بخواجه - نصیرالدین طوسی وزیر هلاکوه او نیز مذهب شیعه داشت نگاشته او را دعوت به تسخیر بغداد کرد در اثر حمله هلاکوه بغداد که در آن زمان بزرگترین و پرجمعیت ترین شهرهای جهان بود ویران و ۸۰۰ هزار نفر اهالی یعنی در حدود دو ثلث جمعیت آن شهر قتل عام شدند (تجلیات روح ایرانی) پس از روی کار آمدن سلسله عثمانی بسال ۷۰۰ هجری که شاهان آن خود را از اولاد بنی عباس و جانشین آنان می پنداشتند مرکزیت اسلام از بغداد به قسطنطنیه منتقل شد و آنجا را اسلامبول نامیدند زمان خلافت عثمانیان بین آن دولت و ایران بر سر تصرف بغداد جنگها در گرفت بخصوص زمان صفویه و نادر شاه افشار ولی این شهر همچنان در دست دولت عثمانی باقی ماند.

و اما اهمیت بغداد از نظر اهل بها بواسطه توقف جمال قدم جل اسمه الاعظم و یاران و اتباع آنحضرت مدت ۱۱ سال و اندی بحال تبعید در آتشهر و اظهار مرعنی آن محیی رم و موعود کل ام در آن مدینه طیبه بوده است. توضیح آنکه در اواخر سال ۱۲۶۸ هجری پس از تیراندازی بابیان - بناصرالدین شاه و تجدید زجر و شکنجه و حبس و شهادت آنان جمال مبارک نیز مورد اتهام واقع و مدت ۴ ماه در سیاه چال طهران سجن اکبر مسجون و پس از محاکمه تبرئه و حضرتش را از ایران ببغداد تبعید نمودند در خلال این مدت اشک البیت هیگل مبارک غارت و املاک و اموال غیر منقول در طهران و نورتملك در بار درآمد و با اینوضع با عائله مبارک ببغداد سرگون شدند و حدود ۱۲ سال در - آتشهر بسر بردند و سال از این مدت با لباس مبدل و نام مستعار بکوهستان سرتکویه و سلمانیسم عزیمت فرموده در نزد درویش و اهل حقوق بسر

دوانیق (بول آن زمان) پیردازند ازینرو بمصنوع دوانقی معروف شد سرانجام نیبی از کاخ خراب شد و چون نتوانست مخارج خرابی آنرا تحمل کند از خرابی بقیه آن صرف نظر کرد و باشتباه خود و صدق بیان خالد بی برد ولی بالاخره بغداد که در سال ۱۳۱ هجری در حدود سلوقیه سابق - ساختمان آن شروع شده بود زمان منصور بایان یافت (مجمل التواریخ و انقصص و تجلیات روح ایرانی) و تا انقراض حکومت عباسیان زیاده از پانصد سال مرکز خلافت سیاست و روحانیست اسلام بود.

ایرانیان همواره در صد تجدید عظمت مدائن و انتقام از اعراب بودند چنانکه مرداوینج زیاری میخواست بغداد را تصرف و مدائن را آباد و خود راجانشین ساسانیان نماید (تجلیات روح ایرانی) خاقانی شروانی تا شرات خود را از خرابی مدائن و ویرانی طاق کسری در قصیده عزائی برشته تحریر در آورده است. بغداد در زمان عباسیان قدر و جمعیت زیادی بدست آورد معزالدوله دیلمی آنجا را گرفت و خلیفه عباسی مستکی راخلع و المطیع بالله را بجای او نصب نمود (تجلیات) بعضی از ائمه شیعه اسلام در این شهر مورد ایذا و اذیت خلفا واقع و حتی بدرجه شهادت رسیده اند چنانکه امام هفتم حضرت موسی کاظم الغینط هفت سال در زندان هارون محبوس و با اشاره او و فتوای جعفر برمکی مسموم گردید (تجلیات روح ایرانی) و حضرت امام علی نقی مورد تهمت و اهانت متوکل واقع شد (لوحی از حضرت عبدالبهاء) و مقام این دو امام هم در کاظمین يك فرسنگی بغداد واقع است مقبره زبیده زن هارون و ابوحنیفه نعمان بن ثابت و عبدالقادر - گیلانی در بغداد است.

چون پسر مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی

جدیدی را در تاریخ امر می‌گشاید . خدعه و نیرنگ دشمنان نتیجه معکوس داد و سبب سرور و حبور - گردید . آری چنین مقدر بود که موعود ملل از این نقطه ظاهر شده و آن مدینه مطاف ملاء اعلى گردد .

بغداد در الواحی کبیره بمدينه الله موسم گردیده و آنرا دارالسلام نیز گفته اند . در قرآن در دو آیه ظهور الهی را از آن خطه مبارکه نویسد میدهد در سوره انعام میفرماید (لهم دارالسلام عند ربهم وهو ولیهم) و در سوره یونس آمده (والله یدعوالی دارالسلام ویهدی من یشاء) و نیز شعرا و عرفا هر یک بنوبه خود در باره مستقبل بغداد مطالبی گفته اند و بالصراحه و یا برمز و اشاره اشعاری سزوده اند از آن جمله یکی از شعرا گوید .

شیراز پرغوغا شود شکر لبی پیدا شود
ترسم که آشوب لبش برهم زند بغداد را
و همچنین توشچی اوغلی از بزرگان اهل حق اشعار به ترکی سروده میگوید .

اورونلره اولور نظر حق اوزی دون به دون گزر
بازارگانلر سالور بازار بو بغداده

بیر عجایب ساعت الور جمیع خلایق مات الور

چون گمیه احسرت الور بو بغداده بو بغداده

اسلام دینی زائل اولدی بلبل گله مایل اولدی

قوشچی اوغلی قائل اولدی بو بغداده بو بغداده

(ترجمه فارسی)

باکان مورد نظر قرار میگیرند حق خودش در قمیص های

گونگون ظاهر میشود

بازرگانان متاع حقیقت بازار خود را آراسته میکنند

در این بغداد در این بغداد

ساعت عجیبی میشود تمام مردم حیران میشوند

افراد زیادی حسرت میبرند باین بغداد باین بغداد

دین اسلام زائل گردید بلبل به گل مایل گردید

قوشچی اعتقاد حاصل کرد باین بغداد باین بغداد

بردند در کتاب مستطاب ایقان در این خصوص میفرمایند قوله تعالی (واین عبد را اول ورود این ارض چون فی الجمله بر اموات محمد شه بعد اطلاع یافتیم از قبل هجرت اختیار نمودم و سردر بیا بانهای قراق نهادم و دو سال وحده در صحراهای هجر بسر بردم از عیونم عیون جاری بود و از قلبم بخوردم - ظاهر چه لیالی که قوت دست نداد و چه ایام که جسدر احتیافت و با این بلایای نازله و رزایای متواتره فوالذی نفسی بیده کمال سرور موجود و نهایت فرح مشهود)

بتدریج بغداد مرکز بابیان و حضرت بهاء الله بعنوان مقتدای آنان شناخته شدند ولی چون این نقطه مرکز علما و جنب مقامات متبرکه و اعتبار مقدسه شیعیان و نزدیک بکشور ایران بود علمای عراق از شیعه و سنی احساس خطر نموده به همراهی کار برد از آن در بغداد توطئه نموده و بشاه ایران و سلطان عثمانیان شکایت کردند و پس از مکاتبات سیاسی بین دولتین و علما و دسائس اعداء توافق گردید که آنحضرت را باعائله مبارکه باسلامبول تبعید نمایند . حین حرکت از بغداد روزی و دم نوروز در سال ۱۲۷۹ هجری حضرت بهاء الله در خراج شهر بیباغ نجیبیه (نجیب پاشا) وارد و دوازده روز در آن باغ متوقف و امر خود را بر خویش و بیگانه - علی رؤس الاشهاد اعلام فرمودند و مکلم طور بر عرش ظهور مستقر و جمال موعود از خلف الف حجاب من النور قدم بیرون نهاد و جهان را بنور خود مقور فرمود و موعود کل ام ظاهر شد و مواعید کتب مقدسه الهیه تحقق یافت و بعد ها شریعت الهیه تا سیس گردید و پرچم صلح و سلام مرتفع و خیمه وحدت عالم انسانی برافراشته شد و شمس حقیقت باشد اشراق از آن مدینه طیبه بدرخشید و بر عالمیان - بر توافقت و جهان را بخلعت وجود خود آراسته ایسن دوازده روز که بایام رضوان معروفست فصل

ترجمہ حال حضرت اسم اللہ الاصدق

نقل از تذکرہ النواہ

حضرت اسم اللہ الاصدق حقیقہ آزید و حیات تا نفس اخیر خدمت بحق کردند و بنہایت تقدیس در ایران مشہور و بملا صدق مقدس ملقب و معروف بسیار نفس مبارکی و شخص عالم فاضل محترمی بودند . اہم سل خراسان نہایت تعلق بایشان داشتند در تبلیغ لسان فصیحی و قوہ عجیبی داشت نفوس انہماست سہولت اقتناع میکرد .

وقتی ببغداد آمدند و بشرف لقا فائز شدند روزی در بیرونی در کنار باغچہ نشسته بودند و من در بالای سر ایشان در اطاقی نشسته بودم در این اثنا شاہزادہ نوحہ فتحعلیشاہ وارد بیرونی شد از ایشان سئوال نمود کہ شہ شاکہ ہستید فرمودند من بندہ * این درگاہم و پاسبان این آستان و بنای تبلیغ گذاشتند من از بالا گوش میدادم .

شاہزادہ در نہایت استیحا ش با اعتراض برداخت ولی در ظرف ربع ساعت بکمال ملاحظت شاہزادہ را ساکت فرمودند شاہزادہ نہایت مسرت اظہار نمود کہ بسیار مسرورم کہ خدمت شمارسیدم و کلام شمارا شنیدم فی الحقیقہ اسم اللہ بود و کینونیتش مبعوث نہ نامش معروف . احادیث بسیار حفظ داشت و در مطالب شیخ وسید مرحوم نہایت مہارت داشت و در دایت امر در شیراز مو * من شد شہرت یافتست و چون بی محابا بہ تبلیغ برداخت ایشان را در شیراز مہار کردند و در کوچہ و بازار گردانند

بعد از اینکہ در شیراز آزاد شد بخراسان سفر کرد و در آنجا لسان تبلیغ گشود و بعد در رعیت جناب باب البساب بقلعہ * طبرسی رفت و صدمات شدید تحمل کرد و چون در قلعہ اسیر شد اورا تسلیم سران مازندران نمودند تا اورا با طرف بیرند و دریلوکی از بلوکات مازندران شہید کنند . بعد از آنکہ بحمل مہمہ رسیدند و در بند و زنجیر بودند خدا شخصی را الہام کرد کہ ایشان را نصف شب از زندان رها کرد و ہمراہی نمود تا بحمل امان رسیدند و در امتحانات شدیدہ ثابت و راسخ ماندند .

مثلا ملاحظہ کنید در قلعہ محصور و ستمکاران قلعہ را بتویہای قلعہ کوب متصل گلولہ میریختند و حضرات احباب از جملہ جناب اسم اللہ ہیجده روزی قوت ماندند بدرجہ ای کہ چرم کفش ہمارا خوردند عاقبت باب تنہا رسید ہر روز صبحی یک جرہ آب میخوردند و از ضعف جمیع بروی زمین افتادہ بودند . وقتیکہ لشکر بر قلعہ ہجوم میکرد فوراً یک قوتی من عند اللہ حاصل میشد کہ بر میخاستند و لشکرا از قلعہ میرانند مخیلی مشکل است کہ انسان در چنین موقعی صبر و تحمل کند و ثابت و راسخ بماند و اید از برای او تزلزل حاصل نشود .

باری با وجود این مصیبت ہای شدیدہ جناب اسم اللہ بہیچوجہ فتوری نیاورد بعد از آزادی بہ تبلیغ بیش از پیش برداخت انفا س حیات را جمیع وقف ندای بملکوت اللہ نمود و در عراق بشرف لقا فائز شد و همچنین در سجن اعظم بساحت اقدس مشرف شد و مظهر عنایت گردید فی الحقیقہ بحر پر موجی بود و باز بلند پرواز و جہی نورانی داشت و لسانی فصیح و بلیغ و چون بدعا و مناجات میرد اخت چشم گریان مانند ابر نیسان بود چہرہ نورانی بود اخلاق رحمانی بود علم کسبی ولدنی بود انقطاع و زہد و ورع و تقوی ربانی بود .

عدای روح

« ۲ »

ع - صادقیان

در شماره گذشته درباره اهمیت مطبوعات و نقشی که در تعلیم و تربیت بان میگذرد و مطبوعات مفید و بیفایده و مضربحث کردیم اکنون درباره انواع مطبوعات " روزنامه - مجله - کتاب " سخن میگوئیم

۱- روزنامه

حضرت بهاء الله جل زکرة لهملی درباره اهمیت روزنامه و وظیفه " روزنامه نگار " چنین میفرمایند (۱)
" . . . امروز اسرار ارض املم ابصار موجود و مشهود و اوراق اخبار طیار روزنامه فی الحقیقه مرآت جهان است
اعمال و افعال احزاب مختلفه را مینماید . هم بنماید و هم میشنوند . مرآتی است که صاحب سمع و بصیرت
لسان است ظهوری است عجیب و امری است بزرگ . ولکن نگارنده راسزاوار آنکه از معرض نفس و هوای مقدس باشد
و بطراز عدل و انصاف مزین و در امور بقدر مقدور تفحص نماید تا بر حقیقت آن آگاه شود و بنگارند . . . "
چنانکه از بیانات مبارکه فوق مستفاد میگردد وظیفه " نگارنده " بسیار خطیر و دقیق است و ارباب جراید باید
بحقایق امور توجه داشته نوشته های خود را از روی عدل و انصاف و حقیقت تهیه و تنظیم نمایند .
قسمت عمده مطالب جراید را " اخبار " داخله و خارجه تشکیل میدهند و ما اهل بهار روزنامه های خبری را
فقط برای اطلاع از اوضاع و اخبار مملکت خود و جهان مطالعه میکنیم و ما را با عقاید سیاسی و مسلکی و بحث
در اوضاع سیاسی که در روزنامه ها درج میشود کاری نیست .

۲- مجله

مسلم شرایطی را که جمال اقدس الهی جل سلطانه در بیان مبارکه فوق درباره روزنامه نگاران بیان فرموده
درباره نویسندگان مجلات نیز صدق میکند . اهمیتی را که (مجلات) در شرح بسط مسائل مختلفه و تعلیم
اصول علمیه دارند . نمیتوان انکار کرد .
امروز در غرب مجلات مختلفی از طرف مجامع علمی و فنی مرتباً منتشر میشود و در آنها آخرین نتایج مطالعات
و تتبعات و تحقیقات دانشندان رشته های مختلفه علم و فنون در دسترس عموم گذارده میشود .
از نظر اینکه انتشار و مطالعه مجلات مختلفه اخیراً در کشور ما رواج فراوان یافته احبای الهی خصوصاً اولیای
محترم و جوانان عزیز باید در انتخاب و مطالعه مجلات توجه و دقت کافی مبذول دارند و مجلاتی را انتخاب و
مطالعه کنند با اطفال و نوجوانان خود توصیه نمایند که دارای مندرجات سودمند علمی و ادبی و اخلاقی و
هنری و بهداشتی و منطبق با اصول تقوی و تقدیس بوده دارای داستانهای عشقی و عزای و جنائی و شکسهای
نامناسب نباشند .

(۱) - طرازات - طراز ششم

آهنگ بدیع

و کتب مفیده امریه و غیر امریه که مفید است ببرد ازند هم از مفاسد بعضی مطبوعات مضره در امان - مانده اند و هم با آشنائی معارف امریه به توسعه د اثره معلومات و اطلاعات امری و عمومی خود افزوده اند .

با اینکه امروزه در زبان فارسی بجز دو نشریه امری " اخبار امری " و " آهنگ بدیع " رانداری ولی با توجه بانچه ذکر شد در هر خانواده بهائی شایسته است یک نسخه از این نشریات موجود باشد و مورد مطالعه افراد خانواده قرار گیرد .

۳- کتاب

جای تردید نیست که بهترین و کامل ترین نوع مطبوعات " کتاب " است .

در اوائل این سطور درباره اهمیت " کتاب " و اثری که " کتاب خوب " در رشد قوای روحی و معنوی افسراد دارد ذکر میمان آمد و هرگاه بخواهیم اهمیت کتاب و مطالعه را بشمریم و نظریات علما و دانشمندان را در این باره نقل کنیم سخن بد را خواهد کشید .

طبق آثار الواح مبارکه همه ماما موریه کسب معارف و معلومات و اطلاعات مفیده امریه و غیر امریه میباشیم و در آثار مبارکه گزارش و گزارشات را بمطالعه و غور و تا مل در کتب سماویه و افکار عالیه امر فرموده اند .

بحمد الله اخیرا در زمینه تهیه و عرضه آثار مبارکه و کتب امریه و سائلی فراهم گردیده است و امید است با ادامه این روش احبابتوانند غالب کتب امریه را در دسترس داشته باشند .

همچنین خوشبختانه در غالب نقاط کتابخانه ها امری تا سیس شده و احبای الهی و جوانان - عزیز بجای اینکه اوقات ذقیمت خود را به بطالت و کسالت بگذرانند میتوانند اولاً از مطالعه کتب امری و غیر امری این کتابخانه ها بهره مند گردند

طبق دستورات مبارکه رعایت اصول تقوی و تقدیس باید شامل کلیه شئون و مراحل مختلفه زندگی فردی و اجتماعی ما اهل بها گردد و مسلماً رعایت این اصول عالییه در ادبیات و مطبوعات و سایر شعب مختلفه هنرهای ظریفه نیز غیر قابل انکار است .

حضرت ولی امر الله ارواحنا لترتبه الفداء در ابلاغیه مبارک مورخ ۲۳ اپریل ۱۹۳۷ خطاب به محفل مقدس روحانی طهران شید الله ارکانه چنین میفرمایند . (۱)

" . . . و دیگر بیاناتی که با کمال تاکید از لسان مبارک ظاهر و امرت تحریر آن صادر اینست که امروز یکی از مسائل مهمه بجهت انتشار افکار و فوائد ملیه توزیع روزنامهجات است و توسیع دوائر مطبوعات و نشر اخبار مفیده و بسط مضامین و دلائل علمیسه و انتشار مسائل مهمه . و فرمودند که من مکرراً احبای الهی نوشتم و این امر را موکداً داشتم که احبای در اشتراک روزنامه جات و مجلات امریه بنایند خود داری نمایند و در هر اقلیمی مطبوعات و مجلات بهائی سایر اقالیم را خریداری کنند و در نشر اخبار و مسائل روحانیه بی اختیاری نمایند و در اینگونه امور از سایر اقوام اگر سبقت نجویند اقلاً از دیگران عقب نمانند لهذا مکرراً فرمودند که باهضا آن - محفل مقدس نگاهشته شود که در متحد اتمال های عدیده این مسئله را توضیح نمایند و با کمال تاکید ترویج فرمایند و در اشتراک احبای با روزنامه ها و مجله های امری سعی بلیغ مبدول دارند . . . "

باز یارت بیانات مبارکه فوق برای احبای الهی جای هیچگونه تردیدی در اشتراک و مدالعه نشریات امریه باقی نی ماند . هرگاه احبای الهی بدران و مادران عزیز - جوانان و نونهالان بهائی بفرموده مبارک با اشتراک و مطالعه نشریات

(۱) مجموعه توقیعات مبارکه ص ۳۰۹

نایا با اهداء کتب مفیده به تقویت این مشروعات مهمه که بهترین میراث روحانی عظم بشری محسوب میشود همه نگارند .

درباره کتب غیر امری خوشبختانه در چند سال اخیر در مملکت ما بر خلاف بعضی مجلات جنبشی در کارتها لیف و ترجمه و انتشار کتب مفید و سودمند ایجاد شده که میتواند نوید خوشی برای آینده مطبوعات فارسی باشد .

نظری بفرست فعالیت های سالانه مؤسسه نشر کتاب مؤید این ادعاست بزگترین دلایل رواج بازار انتشار و فروش کتاب توجه و عنایت بی سابقه جوانان و طبقه تحصیل کرده و باسواد به کتب خوب و مفید است .

انتخاب کتاب

برای " مطالعه کتاب خوب " در درجه اول " انتخاب " کتاب حائز اهمیت است زیرا اگر کسی نتواند کتاب خوب انتخاب کند و بخواهد کتابهای بد را بخواند بهتر است اصولاً از مطالعه چشم ببوشد ننگه مهمی که باید در انتخاب کتاب مورد توجه و دقت بخصوص جوانان عزیز قرار گیرد اینست که هیچ کتابی را قبل از اینکه درباره موضوع نویسنده - مطالب و مندرجات آن - تحقیق کافی نکرده باشیم نباید بخوریم و بخوانیم و چون مانی توانیم درباره کلیه کتابهای منتشره شخصاً اطلاعات لازم را بدست بیاوریم بهتر است از نشریاتی که برای راهنمایی کتابدوستان توسط کتابشناسان تهیه و منتشر میگردد استفاده نمائیم . و هرگنایی را که مفید بوده و با سلیقه و معلومات و سن ما سازگار است خریداری و مطالعه کنیم . (۱)

کتاب مفید بعد از کتب آسمانی - تاریخ ادیان و ملل و اقوام - شرح حال مردان بزرگ و نوایسح و

خادمین عالم انسانی - سفرنامه ها - شاهکارهای کلاسیک ادبیات جهانی - دواوین اشعار شعرای بزرگ و امثالها میباشد . و نیز کتب مختلفه در زمینه علم و فنون که هرکسی بر حسب تخصص و حرفه و ذوق و سلیقه شخصی خود میتواند آنها را انتخاب و مطالعه نماید .

ننگه مهمی که باید در نظر داشت اینست که فقط خواندن کتاب شرط نیست بلکه (درک کردن) مطالب کتاب مهمتر است و " خواننده خوب " کسی نیست که تعداد زیادی کتاب را بطور سطحی و سرسری خوانده باشد بلکه خواننده دقیق و عمیق کسی است که اگر تعداد کمی هم کتاب بخواند اولاً مقصود و منظور نویسنده را بخوبی درک کند ثانیاً در باره آنچه میخواند به تفکرو تا مل پردازد و عقاید نویسنده را حلاجی کرده در ترازوی تشخیص خود سبک و سنگین کند و خلاصه و نتیجه آنچه را میخواند بدین سپارد و در موارد لزوم بکار بندد و بدان عمل نماید .

بگفته صائب تبریزی

چه سود آنکه کتب خانه جهان از تست

ز علم هر چه عمل میکنی همان از تست
کتابی را باید بخوریم و بخوانیم که نه فقط قابل خواندن باشد بلکه قابل نگه داشتن هم باشد اینک میگوئیم " نگه داشتن " منظور از نگهداری جسم کتاب نیست بلکه مقصود اینست کتابی را بخوریم که مطالب آن بنحوی قابل استفاده و عمیق باشد که بتوانیم آنرا نگاهداری کنیم در مواقع مختلف مکرراً بان مراجعه کنیم و بطور خلاصه کتابی نباشد که بقول معروف فقط به یکبار خواندن بیارزد .

ماهل بها در درجه اول باید کتابی را انتخاب

(۱) چند سال است مجلاتی مانند (راهنمای کتاب) و نشریه رایگان (کتابهای ماه) برای راهنمایی کتابدوستان منتشر میشود همچنین مجلاتی مانند (سخن) قسمتی از مندرجات خود را به بحث در کتب منتشره اختصاص میدهند

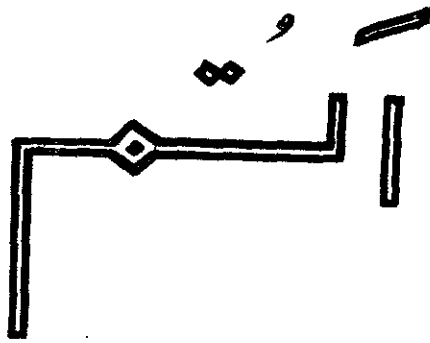
(بقیه در صفحه ۱۱۴)

از استاد سلمانی

در دست بحر

روزی آخر دامن غصن بها خواهم گرفت
 درمند هجرم و ازوی دوا خواهم گرفت
 یا مرا این درد بیدرمان زیا خواهد فکند
 یا ز انقاس مسیحایش شفا خواهم گرفت
 یا چو مجنون عاقبت بیگانه خواهم شد ز خویش
 یا ز همراهان نشان آشنا خواهم گرفت
 او ز کار بسته من عقده ها خواهد گشود
 من ز خاک درگه او بوسه ها خواهم گرفت
 بیدلم چون نی ولی بانغمه دل خواهم ربود
 بینوایم لیکن از نائی نوا خواهم گرفت
 تیشه هم بر ریشه جنگ وجدل خواهم نواخت
 بهره * از شاخه صلح و صفا خواهم گرفت
 بال و پر خواهم زد و زین خاکدان خواهم برید
 آشیان بر سدره باغ بقا خواهم گرفت
 فاضلا در راه وصلش آنچنانم بی قرار
 کاندرا این ره سبقت از باد صبا خواهم گرفت
 از احمد نیکویی نژاد (فاضل)

هر که با جنست دیدار تو خرم نبود
 حیوان باشد و شك نیست که آدم نبود
 دل بوجد آمده در سینه چه از نار سپند
 شادی عشقی تو هر جا که بود غم نبود
 میکند هر نفسی زنده دوصد مرده بتا ز
 کشته * عشقی تو گر عیسی مسریم نبود
 چهره بنمودی و نبود بجز سازنج لطف
 هیچکس آگه از این فضل بعالم نبود
 تویی ای کعبه * مقصود که از راه صفا
 هیچکس در حرم قدس تو حرم نبود
 پی تعظیم به پیش قد تو همچو هلال
 نیست سروی که به بستان بقا خم نبود
 از عنایت لب شیرین تو ای خسرو روح
 سر هر نکته بیان کرد که مبهم نبود
 قطره * نیست لبست بیش و دصد بحر حیات
 بلطافت بر آن قطره چه شبنم نبود
 نیست هم رسلسله * موت جز آیات جنون
 هر که راعقل در این حلقه مسلم نبود
 طالع از شرق عماتاشدی ای شمس بها
 انجمنی نیست در افلاک که مظلم نبود



میرزا آقا مهانیان

در همان سال پرخیر و برکت یعنی سال ۱۹۱۳ داک موریس دو بروی (۱۰) D.M. De Broglie - با کشف طیف اشعه ایکس موفق گردید این شخص قبل از علاقه مند شدن برشته های علی فرمانسده بحریه بود و در مدت جنگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴) تلگراف زیر دریائی را اختراع کرد و در سال ۱۹۲۰ موفق بکشف طیف ذره گردید که بکمک آن توانستند صحت تئوریهای بوهر و بلانک را تأیید کنند و یک نقشه واقعسی از طبقات مختلف اتم رسم نمایند این اکتشاف همچون ضربه محرك بسیار قوی برای پیشرفت فیزیک هسته بود بعد ها دانشمند انگلیسی چارلز گلدور بارکلا (۱۱) Barkla موفق بشمارش الکترونهاى اتم گردید و باین ترتیب چنین بنظر میرسید که فرضیه جدید اتی بر روی حقایق متکی است و علماء مخالف حیرت و تعجب نمودند و جهان علم نغمه فتوحات جدیده سا ز نمود باد شاه انگلستان قبلا یعنی در سال ۱۹۱۴ لایم دید که لقب و عنوان "سر" Sir به راز رفورد بخشید با وجود اینها بعد ها اتم بوهر نیز عدم قدرت نشان داد - ولی این بار سومر فیلد (۱۲) بوسیله نسبت انیشتین بکمک آن قیام نمود تقریباً ده سال دیگر گذشت و اتم فلد نیز نتوانست خصوصیات بسیار دقیق طیف را توضیح دهد علمای زیادی جهد نمودند که بکمک بشتابند ولی همه با شکست روبرو شدند تا اینکه لوی دو بروی (۱۳) فرانسوی با وارد کردن مکانیک موجی در جهان اتم تا اندازه خرق حجابات نمود و جایزه نوبل ۱۹۲۹ را با و تقدیم نمودند تا این موقع اتم مرکب از پرتون و الکترون بود ولی از این به بعد برای بیان نمودهای دقیق اتم علماء طهم شدند که نسبت انیشتین را نیز وارد مکانیک موجی نمایند و کارل اندرسن امریکائی C. Anderson (۱۴) در سال ۱۹۳۳ پوزیتون را وارد جهان اتم نمود و تقریباً بلا فاصله مهمان دیگری نیز بنام نوترون بجمع اجزاء ترکیب کننده اتم اضافه شد این مهمان اخیر توسط علمای آلمانی فرانسوی و انگلیسی دعوت شده بود ولی جسی چدویک J. Chadwick (۱۵) انگلیسی در سال ۱۹۳۵ جایزه نوبل را در ربود و نوترون Neutron منسوب باو شد بعد ها علماء گفتند که نوترون اتی است که الکترون ندارد ولی طولی

- | | | |
|------|----------------------------|--|
| (۱۰) | d. M. De Broglie | (متولد ۱۸۷۵) دانشمند فرانسوی |
| (۱۱) | Ch. C. Barkla (۱۸۷۷-۱۹۴۴) | دانشمند انگلیسی برنده جایزه نوبل ۱۹۱۷ |
| (۱۲) | A. Sommerfeld (متولد ۱۸۶۸) | دانشمند آلمانی که بعلمت فرضیه کوانتیک اتی و کشف الکترونهاى آزاد در فزات معروف شده است. (۱۳) Louis Victor Prince De Broglie |
| | Anderson | (متولد سال ۱۸۹۲) برنده جایزه نوبل ۱۹۳۳ در علم و واضع فرضیه عجیب مکانیک موجی (۱۴) - |
| | J. Chadwick | امریکائی (متولد سال ۱۹۰۵) برنده جایزه نوبل ۱۹۳۶ (۱۵) - متولد (۱۸۹۱) برنده جایزه نوبل سال ۱۹۳۵ - |
| | Otto Hahn | |

آهنك بدیسع

نگشید که فیزیک دانها رفیقی از برای او پیدا کردند و نامش را نوترینو گذاشتند باید دانست که هسته مرکزی از پروتون ها و نوترونهای چسبیده بهم ترکیب شده اند و یوزیتون هم برادر دو قولوی الکترون میباشد حال چه سیمانی باید اینها را بهم چسبانده باشد معلم نبود تا در سال ۱۹۳۵ فیزیک دان ژاپنی هیده کی یوکا را گفت این سیمان نوع جدیدی از ذرات هستند بنام مزون و در سال ۱۹۳۷ وجود مزون هم تأیید گردید و حتی کپرسی نکه با دقت وزن آنها را حساب کرد بعد ها مزون خنثی یا نوتریتون نیز در جهان اتم - ظهور نمود بالاخره علما متحد شدند و حتم شده که اتم جزء لایتجزی نیست بلکه از موجودات بسیاری ترکیب شده و هسته آن مانند برج و باروی است که نمود اسرار آمیز است حاله راد یواکتیو در داخل آن انجم میگردد و همچنین موجبات امتیاز عناصر از قبیل کربن اکسیژن آهن و طلا در داخل هسته پنهان است و مسئولیت فعل و انفعالات شیمائی و صدور جریان الکتریک و نور و اشعه ایکس X بالکترونهای سیاره - است قسمت دم تحت نفوذ و قدرت فیزیک دانها در آمده بود ولی هسته مرکزی مانند قلعه تسخیرناپذیری مینمود و همه حسرت دسترسی بآنها داشتند اولین کسی که باین قلعه متین و حصین حمله برد همان رادرفورد معروف بود که در سال ۱۹۳۱ عنوان "لرد رادرفورد اف نلسون" با و اعطاشد و بسال بعد یعنی در ۱۹۳۲ دوفراز شاگردان این عالم شهیر بوسیله فشار الکتریکی چند صد هزار تا چند میلیون ولتی بجمه تبعیت از استاد خود ادامه دادند و البته سایر کشورها در همین سنین مخصوصاً امریکائیان نیز بیکار ننشسته و دامنه حمله باین برج شکست ناپذیر را بگمرزده بودند و بالاخره پروفیسور اتوهان (۱۶) هسته اورانیم را منفجر نمود و دانست که نوترونهایی که در این هسته وجود دارند در این انفجار آزاد میشوند و همین نوترونهای آزاد شده بمنزله گلوله های جدیدی بکار برداخته و هسته های دیگر را خورد میکنند و عمل همینطور زنجیری است و ادامه پیدا میکند و این اشعه حملات چنان است که فقط حجم یک نوترون تنها نبوده از او را نیم برای منفجر ساختن تمام این عنصر آزاد کردن انرژی داخلی آن کافی میباشد.

همه کس میدانند که دستگاهی ایجاد شد که این رشته فعل و انفعالات زنجیری در آن متاسفانه بمنظور تهاجمی بکار رفت و در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ منجر به ترکیدن بمب اتمی بر علیه شهرهای هیروشیما و ناگازاکی گردید البته امروزه هسته های اتمهای عناصر زیادی را منفجر نموده اند و مردم از این باغ بری میرسد تازه تر از تازه تری میرسد.

ای خوانندگان عزیز ملاحظه فرمائید که مثل اعلائی امر اعزافخم جمال مبارک که فقط در مکتب اب بزرگوارشان حضرت بها الله جل کبریا درک حقایق اشیا فرموده بودند در مرکز علم و دانش زمان یعنی پاریس و بسر خلاف اصول معتقدات علمی قاطبه فلاسفه زمان و علمای جهان با چه جرئت و شجاعتی و اطمینان و اعتقادی کافه موجودات مادیه را ترکیب و قابل تجزیه معرفی میفرمایند این فرموده را جز علم ایشان بعوالم سروخضیات بهیچ چیز دیگر تعبیر نتوان نمود زیرا همه میدانند که آن سرالله الاعظم در سنین طفولیت از ایران سرگون شدند و جز در مکتب الهی در هیچ مکان و زمانی از کسی حرفی نیاموختند (منابع اقتباس - (مراجعه شود بصفحه ۱۱۴))

(۶۱) Otto Hahn دانشمند معروف امریکائی آلمانی نژاد متولد (۱۸۷۹ در فرانتکفورت

آلمان) بوسیله بمباران اورانیم بوسیله نوترونها فعل و انفعال زنجیری را کشف نمود و برنده جایزه نوبل سال - ۱۹۴۵ میباشد.

کافی حد قابل توجه نویسندگان محترم

۸- منابع و مأخذی که مقالات از آنها استفاده میشود (اعم از امری و غیر امری) باید در باین مقاله ذکر شود تا در صورت لزوم با اصل آن تطبیق شود .
در خاتمه بار دیگر توجه نویسندگان عزیز و محترم را بمقاله (چگونه بنویسیم) ایزجناب احمد یزدانی مندرج در شماره ۶ سال ۱۵ آهنگ بدیع جلب مینمائیم و انتظار داریم که همکاران ارجمند - نکات مورد تناضای هیئت را رعایت فرمایند .

هیئت تحریریه

بقیه از صفحه ۱۰۰ (ابن اصدق)
قبر منورش در همدانست و ارتقم اعلی در حق او الواح شتی نازل و بعد از صعودش زیارتنامه مخصوص نازل شد بسیار شخص بزرگواری بود از جمیع جهات کامل بود بحقیقت اسم الله بود .
طوبی لنفس طاف حول جدته و استبرک بتراب رسه و علیه التحیه و الثناء فی ملکوت الابهی

بطوریکه دوستان عزیز مستحضرنند مقالاتی که به هیئت تحریریه (آهنگ بدیع) میرسد بایستی مورد مطالعه و تصویب اعضای هیئت و لجنه مجله تصویب تا لیفات قرار گیرد ولی - غالباً بواسطه عدم رعایت بعضی از نکات لام و ضروری در حین مطالعه و ماشین شدن مقالات اشکالات فراوان از جهات مختلف بوجود میآید .

علیهذا هیئت تحریریه آهنگ بدیع از نویسندگان محترم تقاضا مینماید که بنکات ذیل توجه فرمایند
۱- مقالات فقط در یک روی صفحه کاغذ نوشته شود .

۲- از نوشتن در روی کاغذهای نازک خوداری گردد .

۳- قطع کاغذی که مقالات در آن نوشته میشود حداقل خستی (قطع آهنگ بدیع) باشد .

۴- حاشیه بحد کافی در مقاله گذاشته شود تا در صورت لزوم بشود اصلاحات لام را معمول داشت .
۵- در صورت امکان مقالات ماشین شود در فیسر این صورت خوش خط و خوانا نوشته شود .
۶- فواصل خطوط بحد کافی (یک خط در میان) باشد .

۷- در صورتیکه اسامی خاصی (اسامی اشخاص و یا امکنه) در مقاله باشد لطفاً آنها را شماره گذاری کرده باین هر صفحه لاتین آن واضحاً با حروف بزرگ نوشته شود .

پرفسور مارکوس باخ

از امریکا : دکتر پروینز جاوید

- ۱۹۴۸ ۲- رابورتی برای پروتستانها در سال
 ۱۹۴۲ ۳- دروازه رو' یانس
 ۱۹۵۱ ۴- ایمان و دوستان من
 ۱۹۵۲ ۵- محرابهای مرموز
 ۱۹۵۶ ۶- اراده برای ایمان
 ۱۹۵۷ ۷- دائره ایمان
 ۸- خداوند در دلها
 ۹- ماجرای دینی
 يك فصل كامل از . كتاب (دائره ایمان) بشرح ملاقات و مصاحبه مو' لف با حضرت ولی امر محبوب اختصاص داده شده است.
 در این قسمت او درباره * عظمت و ابهت و جلال و شکوه ولی امر دینانتهائی داد سخن داده است. و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد این تنها اثریست در نوع خود که درباره حضرت ولی امر الله ارواحنا لترتبه الفدا* بوسیله يك محقق دینی مشهور نوشته شده است.
 مارکوس باخ علاوه بر زیارت و مصاحبه با حضرت ولی مقدس امرالله ارواحنا فداه با عده زیادی از رهبران دینی و اجتماعی ملل متنوعه ملاقات و مصاحبه نموده است که از جمله نفوس ذیل را میتوان نام برد .
 دکتر البرت شوایریز در افریقا
 پساپی دوازدهم در واتیکان
 وینو باهاد در هند
 دکتر د . ت . سفرروکی در ژاپن

پرفسور مارکوس باخ در ۱۵ دسامبر سال ۱۹۰۶ در ساک سیتی Sauk City که در ایالت ویسکانسن Wisconsin (امریکا) واقع است بدنیا آمد و تحصیلات مقدساتی خود را در آنجا بپایان رساند . از سال ۱۹۳۴ الی ۱۹۳۶ بخرج مو' سه را کفلسر بتجسس در رشته نویسندگی پرداخت . او درجه فوق لیسانس M. A. را در سال ۱۹۳۶ و دکترای فلسفه را در سال ۱۹۴۲ از دانشگاه شهر ایوا Iowa دریافت کرده و از سال ۱۹۴۲ تاکنون سمت معاون مو' سه و استاد علم دینی آن دانشگاه را برعهده دارد . رشته علم دینی این دانشگاه بتقام ادیان تعلق دارد و در امریکا بسیار مشهور است زیرا متعلق به فرقه مخصوصی نیست .
 بنابعد عوت پرفسور باخ نمایندگان دیانت بهائی نیز در کلاسهای او نطقهای درباره * هدف دیانت بهائی و لزوم آن برای عصر حاضر ایراد کرده اند و همواره مورد تشویق و تقدیر خاص او واقع شده اند .
 مارکوس باخ اولین دکتر فلسفه در رشته علم دینی از این دانشگاه است او مفسر دینی و سیاح جهانگرد و محقق مشهوری است و هدف اصلی او یافتن اصول مشترک در بین ادیان است آثار او در دنیای مسیحی شهرت بی اندازه دارد و - بعنوان نمونه میتوان کتب زیر را یاد کرد :
 ۱- آنها ایمان رایافته اند در سال ۱۹۴۶



ادنو = دربرمه = شیهانوک = ولیعهد کامبوج

پس از اطلاع از خبر صعود هیگل مبارک مارکوس باخ در نامه تسلیت که بمحفل ملی بهائیان امریکا نوشت مراتب حق شناسی خود را از این سعادت بی باو ارزانی شده و توفیق این را یافته بود که با ولی امر بهائیی صاحبیه کند ابراز و سپس یاد آور شده بود که مقام و عظمت ولی امر را آیندگان درک خواهند کرد .

و مقام ایشان برای ما مجهول خواهد بود .

علاوه بر کتبی که ذکر شد - مقالات متعددی از مارکوس باخ در جرائد امریکا منتشر شده و میشود و بعنوان نمونه میتوان مقاله ای را که در ۱۵ آوریل ۱۹۵۷ در مجله Christian Century تحت عنوان " نظر ثانوی درباره دیانت بهائی " منتشر کرده است یاد آورد .

سالنامه جوانان بهائی ایران

ع ص

تشکیلات جوانان بهائی سایر کشورها . شامل اقدامات و مجهودات لجنت ملی جوانان امریکا - پاکستان - هند و برمه - سیلان جنوب و غرب افریقا - امریکای مرکزی - اطریش قسمت چهارم - اخبار و بشارات و وقایع جامعه جهانی بهائی .

شامل شرح صعود هیکل مبارک و مختصری از شرح حیات مبارک - نظری به گذران سپهسای بین القارات افریقا در یک مقاله - دو حکایت از افریقا - تابش امرالهی در لیون فرانسه .

قسمت پنجم - نفوس مخلصه ای که در سنوات - اخیر سلطنت ابهی صعود نموده اند .

شامل شرح حال - جناب فاضل مازندرانی - جناب وحید کشفی - جناب متوجه - ش - شهادت شهدای هرمزک .

قسمت ششم - مقالات متنوعه .

شامل چند مقاله تحت عناوین - بیست العدل اعظم الاهی - شکر نعمت - بلای ناگهانی نقش چهره ها - امتیاز از مننه و ایلم - مبادی - تاریخ - تقسیمات زمان - شفای روحانی - یک درس از نظم اداری .

قسمت هفتم - اشعار

شامل اشعاری از جنابان - نعیم - نیر - استاد سلمانی - ورقا - مصباح - ذکائی موضوعی که این سالنامه را جالب نموده است درج عکسهای مختلف و متنوع از تشکیلات جوانان بهائی ایران و سایر ممالک جهان همچنین بعضی از نفوس متصاعده است (۴۴) تصویر .

(بقیه در صفحه ۱۱۴)

چهارمین سالنامه جوانان بهائی ایران را که حاوی فعالیت های تشکیلات جامعه جوانان بهائی ایران در دو ساله (۱۱۶ - ۱۱۷) بدیع) میباشد میتوان از نظر کیفیت و کمیت از سه جلد سابق خود کاملتر و جالبتر دانست .

این سالنامه در عین اینکه نموداری از فعالیت های و فعالیت تنظیم کنندگان آنست نوید خوشی است که مجلدات آینده این سالنامه از این مجلد - کاملتر و جالبتر منتشر خواهد شد .

مدرجات این سالنامه به هفت قسمت بشرح ذیل تقسیم گردیده است :

قسمت اول - الواح و آثار مبارکه

این قسمت شامل مختصری از الواح مبارکه است .

قسمت دوم - اخبار و بشارات تشکیلات جوانان بهائی ایران .

در صدر این قسمت پیام لجنه ملی جوانان بهائی ایران و پس از آن . خلاصه اقدامات و مجهودات لجنه ملی جوانان بهائی ایران - نظامنامه جوانان بهائی ایران - گزارش نهمین و دهمین کانونشن ملی جوانان بهائی ایران - روز ملی جوانان - خلاصه اقدامات و مجهودات لجنات جوانان در سراسر کشور مقدس ایران (شامل

رایبورت اقدامات ۳۳ لجنه) صورت اسامی مراکز و قسمت ها و نقاط منضمه که دارای لجنه یا جمعیت جوان میباشد - تاریخچه روز بین المللی جوانان بهائی (سیمپوزیم) - درج شده است

قسمت سوم - خلاصه اقدامات و مجهودات

جواب سئوالات

یکی از خوانندگان عزیز آهنگ بدیع بنام " خانم قدسیه سم " سئوالی بشرح زیر مطرح نموده اند که بادرچ سئوال مزبور پاسخ آنرا نیز با استفاده از بیانات مبارکه برای مزید استحضار دوستان ارجمنسد درج مینمائیم .

" سئوال "

در ایام محرمه (۹ روز) که اشتغال بامور انتفاعی حرام است آیا ما میتوانیم به تشکیل لجنات و کمیسیونها و امثالہ بادررت نمائیم یا خیر ؟ واگر نمی توانیم بچه دلیل ؟ (چون این امورا زامور انتفاعی نیست و صرفا از امور روحانی است) و اگر تشکیل جلسات جائز نیست چرا در همین ایام جلساتی بمناسبت اعیاد یا صعود تشکیل میدهم ؟

" جواب "

در مورد تشکیل لجنات و کمیسیونها در ایام محرمه حضرت ولی امرالله ارواحنا لرمسه الاظهر الفدا در لوح مبارک مورخ رجب ۱۳۴۷ در جواب سئوال آقای بدیع الله آگاه آباده ای میفرماید . قوله الاحلی :

" اما محافل و لجنات و دوائر امریه در ایام مصیبات تعطیل آنها احسن و اولی ولی قرار قطعی و نهائی در این خصوص راجع به بیت عدل عمومی است . " انتهى

ولی در مورد جلساتی که بمناسبت اعیاد یا صعود تشکیل میشود - اینگونه جلسات جنبه یاد بود دارد و فاقد جنبه اداری است بخصوص دستور مبارک موجود است که در ساعت مخصوصه ایام مذکور جلسات شایسته منعقد گردد .

آهنگ بدیع

(بقیه از صفحه ۱۰۳) غذای روح

کرده و بخوانیم و افکار و عقاید نویسنده آنرا قبول کنیم که مطالب آن با اصول و مبادی سامیه دیانت مقدسه بهائی که به (روح عالم) تعبیر شده است تعارض و تباینی نداشته باشد و مسلماً هر فکر و عقیده ای ولو هر قدر طرفدار داشته باشد یا سر و صد ابراه اندازد و دارای ظواهر فریبنده باشد اگر کوچکترین مخالفتی با اصول امریه داشته باشد نزد اهل بهائیت مقبول است.

این نکته لازم بتذکر است که در عقاید و افکار بسیاری از دانشمندان و نویسندگان بزرگ و معروف انحرافات و تعارضاتی با روح تعالیم امروزه وجود دارد و این ما هستیم که باتیزبینی و دقت نظری که مخصوص هر مو من بیدار و هوشیاری است - باید مطالب و عقاید و افکار خوب و بد را از یکدیگر تفکیک کنیم و خدای ناخواسته تحت تاثیر عقاید و افکاری که خلاف اصول امریه باشد قرار نگیریم.

(بقیه از صفحه ۱۰۴) کتاب ابرار

باری مقصود از این وجیزه آنست که اگر دوستان عزیز در هنگام تصفح و تتبع بشواهد دیگر در خصوص این اثر وقوف یابند یا اثری از این مجموعه نفیس بدست آرند مشتاقان آثار و تالیفات امریه را با انتشار اطلاعات و تحقیقات خود مستبشرو مستفیض فرمایند. دوستان عزیز را همواره توفیق خدمت آستان نشر مستدام باد.

(بقیه از صفحه ۱۰۷) چهارمین سالنامه جوانان

چهارمین سالنامه جوانان بهائی ایران در ۲۹۸ صفحه بقطع پستی توسط مؤسسه ملی مطبوعات امری منتشر شده و در دسترس جوانان عزیز بهائی قرار گرفته است.

البته جوانان برازنده قرن یزدانی و احیای الهی که به فعالیت ها و رشد جامعه جوان بهائی ایران علاقمند میباشند این مجموعه نفیس را مطالعه خواهند نمود و از مطالب آن استفاده های فراوان خواهند برد.

(بقیه از صفحه ۱۰۷) اتم

۱- خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء فی اروپا و امریکا صفحه ۱۰۳ کتاب عکسی تکمیلی در اصفهان.

۲- Text Book of Inorganic Chemistry, Partington, 5th Edition - 1947

۳- تاریخ علم تا لیف Pierre Rousseau چاپ چهل و دوم در سال ۱۹۴۷ ترجمه حسن صفاری

۴- انتشارات لاروس فرانسه

	۲۷	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	س	ر	ا	ر	ا	ل	ه	ی	م	ه	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س
۲	س	و	ق	د	ل	د	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل
۳	س	ر	ا	ر	ا	ل	ه	ی	م	ه	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س
۴	س	ر	ا	ر	ا	ل	ه	ی	م	ه	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س
۵	س	ر	ا	ر	ا	ل	ه	ی	م	ه	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س
۶	س	ر	ا	ر	ا	ل	ه	ی	م	ه	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س
۷	س	ر	ا	ر	ا	ل	ه	ی	م	ه	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س
۸	س	ر	ا	ر	ا	ل	ه	ی	م	ه	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س
۹	س	ر	ا	ر	ا	ل	ه	ی	م	ه	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س	ا	ر	ا	ر	س

حل

جدول آهنگ بدیع

شماره ۴